



چرا شیخ احمد یاسین ترور شد؟

پاسدار اسلام

به قلم شهید دکتر عبدالعزیز رنتیسی

در این مقاله به دنبال آن نیستیم که با یک تحلیل و نگاه سیاسی به بررسی انگیزه صهیونیست‌ها در ترور شیخ احمد یاسین بپردازیم، چرا که افراد زیادی پیش از بنده به این مسأله پرداخته و از جمله انگیزه‌هایی که برای انجام این جنایت توسط رژیم صهیونیستی ذکر کرده‌اند، می‌توان به غریزه خون‌آشامی صهیونیست‌ها اشاره کرد و اینکه کشتار مسلمانان بخش لاینفک آموزه‌های تلمودی و مذهبی آنان است. خداوند در این رابطه خطاب به پیامبرش می‌گوید: «و یقتلون النبیین بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط من الناس». در این مقاله می‌خواهیم توجه شما را به حکمتی که در این مشیت الهی وجود دارد، جلب کنیم و محور بحث را بر این بگذاریم که چرا اراده خداوند بر شهادت شیخ قرار گرفت.

بر اساس اعتقادات ما مسلمانان هیچ اتفاقی در سرتاسر وجود رخ نمی‌دهد مگر آن که مشیت الهی بر آن قرار گیرد: «إن الله فعال لما یرید»، و از سوی دیگر، آنچه خداوند برای مؤمنان می‌پسندد، بهتر از آن چیزی است که مؤمنان خود برای خودشان خیر و منفعت می‌دانند و شاید برخی حوادث در نگاه اول شر و ضرر محسوب شود، ولی پس از مدتی پی به این نکته خواهیم برد که خیر وافر در آن نهان بوده است. «فعیسی ان تکرهوا شیئاً و یجعل الله فیه خیراً کثیراً» بنده مطمئن هستم که در پس این مشیت الهی، حکمتی نهفته است که خداوند از آن به نام مکرالله یاد می‌کند. اما در بررسی این مسأله در چهارچوب حکمت خداوندی این پرسش مطرح می‌شود که چرا خواست الهی بر این قرار گرفت که جنایتکاران صهیونیست بتوانند این بار دست خود را به خون پاک شیخ بیالایند و حال آنکه همین ناپاکان صهیونیست پیش از این موفق به این کار نشده بودند؟ در پاسخ به این سؤال نخستین نکته حائز اهمیت آن است که هیچ فردی جز خداوند از حکمت کامل این مسأله مطلع و آگاه نیست، ولی با یاری خداوند بر اساس فهم انسانی به گوشه‌هایی از این مسأله می‌پردازیم.

بر اساس آنچه که حضرت باری تعالی می‌گوید: «فاذا جاء اجلهم لایستأخرون ساعه و لا یستقدمون» دیگر هنگامه رحلت و کوچ شیخ از این دنیا فرا رسیده بود و خواست خداوند بر آن شد که ایشان به نشان شهادت مفتخر گردد و با این نشان در محضر الهی حاضر شود و گواهی روز قیامت باشد. «و یتخذ منکم شهداء» و چه شهادتی از این پرافتخارتر که یک مسلمان به دست کسانی کشته می‌شود که در نگاه قرآن قاتلان انبیاء هستند.

بنده به عنوان یک پزشک، سلامتی شیخ را در وضعیت وخیمی می‌دیدم و در روزهای اخیر بر این وخامت هرچه بیشتر افزوده می‌شد تا جایی که احساس نگرانی شدیدی نسبت به زندگی

شیخ به بنده دست داده بود و با دیگر دوستان نیز در این مورد صحبت کردم که آنان نیز نگران این مسأله بودند که از آن جمله دوست عزیز جناب آقای دکتر محمود الزهار بود. ایشان نیز نگرانی شدیدی از بابت تنگی نفس شیخ داشت و از سوی دیگر، روز به روز بروخامت جسمی ایشان افزوده می‌شد و علی‌رغم اینکه کسالت رفیق همیشگی شیخ بود، ولی در این اواخر بیماری ایشان به اوج خود رسید و برای همین منظور شیخ از نخستین سوء قصد جان سالم به در برد؛ چرا که هنوز شیخ از نظر سلامت جسمی در وضعیت مناسبی به سر می‌بردند.

شیخ در نوبت قبلی که مورد سوء قصد قرار گرفت به همراه شماری از رهبران حماس بود و موفقیت دشمن در مرتبه پیشین این فرصت را برایش ایجاد می‌کرد که ضمن کشتن شیخ، جنایت خود را با ادعاهایی مبنی بر اینکه شیخ هدف نبوده است بلکه هدف افراد تحت تعقیبی بودند که وی را همراهی می‌کردند پنهان می‌کرد و با این ادعاهای خود از هرگونه اعتراض و واکنش بین‌المللی جلوگیری کنند و یا از درجه این اعتراضات اندکی می‌کاست، بویژه اینکه دولت امریکا با حمایت‌های خود بر این کار سرپوش می‌گذارد و به شهادت رسیدن شیخ در نخستین بار این لطف را برای صهیونیست‌ها داشت که لکه ننگ کشتن و قتل پیرمردی که از روی ویلچر خود نیز نمی‌تواند حرکت کند از چهره خود بزایند. حال اگرچه صهیونیست‌ها در تلاش برای توجیه جنایت‌های خود هستند، ولی عنایت به این مسأله نیز ضروری است که رژیم صهیونیستی آنچنان اهمیتی برای اینکه چهره جهانی‌اش سیاه و یا سفید بماند، قائل نیست. پس با این وضع به این نتیجه می‌رسیم که بر اساس حکمت الهی این اتفاق نباید در نخستین بار رخ می‌داد و موفقیت



ترور شیخ، بستر مناسبی را برای افزایش مقاومت‌ها و مبارزات فراهم خواهد کرد، البته این مبارزات در کنار حفظ وحدت و انسجام داخلی که شرط اصلی پیروزی ملت فلسطین در نبرد سر «موجودیت» است صورت خواهد پذیرفت